

ORIGINAL ARTICLE

Landscape Design with an Experiential Aesthetic Approach (Case Study: Babol)

Elmira Rafizadeh Malakshah¹, Zahra Sadat Saeideh Zarabadi², Esmaeil Shieh³

1. Ph.D. Student, Department of Urban Development, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Urban Development, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Correspondence

Zahra Sadat Saeideh Zarabadi
Email: z.zarabadi@iau.ir

Received: 11/Nov/2024

Accepted: 21/Dec/2024

How to cite

Rafizadeh Malakshah, E.; Saeideh Zarabadi, Z.S.; Shieh, E. (2024). Landscape Design with an Experiential Aesthetic Approach (Case Study: Babol), Physical Social Planning, 9 (3), 35, 109-124. (DOI: [10.30473/psp.2025.72754.2743](https://doi.org/10.30473/psp.2025.72754.2743))

ABSTRACT

By reviewing the theoretical literature on urban landscape design, aesthetics was identified as one of the most influential factors in achieving desirable urban landscapes. The aesthetic experience in the everyday urban landscape is a process that requires judgment, evaluation, and mutual interaction between citizens and their environment. Therefore, attention to citizens' opinions is essential. The aim of this research is to develop a model of the components affecting the design of the everyday urban landscape, emphasizing aesthetics from the perspective of citizens' experiences as the primary users of their living environment. To achieve this goal, using a pragmatist approach, qualitative data were initially collected through a grounded theory method. Semi-structured interviews were conducted with a sample of 9 experts and 41 citizens of Babol until theoretical saturation was reached. The data were analyzed using MAXQDA software, and based on the grounded theory paradigm, a qualitative model of urban landscape design variables, emphasizing citizens' aesthetic experiences, was developed. Subsequently, to examine the practical application of the model, a quantitative evaluation was conducted. Quantitative data were analyzed using the generalized partial least squares method and SmartPLS software, with a sample of 384 citizens of Babol completing questionnaires. The results showed a significant relationship between the qualitative model and its quantitative validation. A P-value of zero in the relationships between variables confirms the model's significance.

KEYWORDS

Urban Landscape Design, Aesthetics, Pragmatism, Citizens' Experience.



«مقاله پژوهشی»

تبیین مؤلفه‌های طراحی منظر شهر روزمره با رویکرد تجربه انسان از زیبایی‌شناسی (مورد پژوهی: شهر بابل)

المیرا رفیع‌زاده ملک‌شاه^۱، زهرا سادات سعیده زرآبادی^۲، اسماعیل شیعه^۳

چکیده

با مروری بر ادبیات نظری طراحی منظر شهر، رویکرد "زیبایی‌شناسی"، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین ارزش‌ها در رسیدن به مطلوبیت منظر شهر شناخته شد. این تجربه زیبایی در منظر روزمره شهر، فرآیندی است که نیاز به قضاوت، ارزش‌گذاری و رفتار متقابل مردم با مکان‌شان را می‌طلبد. پس باید به نظر مردم رجوع کرد و اهمیت داد. هدف پژوهش، تبیین مدلی از مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی منظر شهر روزمره با تأکید بر رویکرد زیبایی‌شناسی از دیدگاه تجربه شهروندان به عنوان کاربران اصلی محیط زندگی‌شان می‌باشد. بدین منظور، با در نظر گرفتن الگوواره عمل‌گرایی، ابتدا به روش کیفی داده بنیاد، با نمونه آماری ۹ نفر متخصص و ۴۱ نفر از شهروندان بابل، تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. داده‌ها را از طریق نرم افزار مکس کیودا تحلیل کرده و بر اساس پارادایم داده بنیاد، مدل کیفی از متغیرهای طراحی منظر شهر با تجربه زیبایی‌شناسی شهروندان به دست آمد. در ادامه، برای رسیدن به آنچه در واقعیت، کاربرد دارد، این بار به ارزیابی کمی مدل پژوهش اقدام شد. در این مرحله، پرسش‌نامه برای نمونه آماری ۳۸۴ نفر از شهروندان بابل طرح شد. با روش حداقل مربعات جزئی تعمیم یافته، داده‌های کمی در نرم افزار اسمارت پی ال اس، تحلیل یافت. نتیجه حاکی از آن است، خروجی داده‌ها در مدل کیفی و سپس اعتبارسنجی کمی آن، دارای رابطه ای معنی دارند. مقدار P-value صفر در روابط بین متغیرها، معناداری مدل را نیز تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی

طراحی منظر شهر، زیبایی‌شناسی، عمل‌گرایی، دیدگاه تجربه مردم.

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: زهرا سادات سعیده زرآبادی
رایانامه: z.zarabadi@iau.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

استناد به این مقاله:

رفیع‌زاده ملک‌شاه، المیرا؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ شیعه، اسماعیل (۱۴۰۳). تبیین مؤلفه‌های طراحی منظر شهر روزمره با رویکرد تجربه انسان از زیبایی‌شناسی (مورد پژوهی: شهر بابل)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۹ (۳)، ۳۵-۱۰۹.

(DOI: [10.30473/psp.2025.72754.2743](https://doi.org/10.30473/psp.2025.72754.2743))



مقدمه

مردم نه تنها نظاره گر شهر هستند بلکه خود بخشی از عملکرد آن را شکل می دهند. بحث بر روی روزهای معمولی انسان‌ها، فضای بیرونی اطرافشان و فعالیت‌های روزمره‌ای است که خواه اجباری یا اختیاری، به توسط مردم در این فضا رخ می دهد. این سطح تماس روزانه بین مردم و شهر، منظر شهر شناخته می‌شود. درست در همین موقعیت‌های روزمره است که شهر باید واکنش لذت و خوشی را برای انسان فراهم آورد. رویکرد زیبایی شناسی، به عنوان ابزار رسیدن به کیفیت مطلوب در طراحی منظر یک شهر، این قابلیت را دارد تا فضای زیست جوامع را ارتقا دهد. صحبت از نیازهای اجتماعی ساکنان شهر، می‌تواند طراحی شهرها را که امروزه اولویت‌های اقتصادی و فناوری را تنها دغدغه خود می‌دانند، تعدیل بخشیده و بر بهبود روابط انسان با محیط شان نیز تمرکز کند. در شلوغی‌ها و فشار زندگی در این شهرها، طراحی مطلوب منظر شهر از نگاه مردم می‌تواند فضایی برای آرامش و تجدید قوا در اختیار شهروندان قرار داده و در نتیجه کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشد. باید الگویی از پیش زمینه‌های مشترک، علایق مشترک مشکلات مشترک پیرامون مسائل فرهنگی، ایدئولوژی، سیاسی، اقتصادی بین استفاده کنندگان داشت تا بتوان تعامل میان محیط مصنوع و فعالیت‌های مردم و روابط میان شان را گسترش دهیم. ارزش زیبایی شناسی با اولویت دهی درست به ظرفیت‌های طراحی منظر روزمره یک شهر به وسیله تجارب مردم به عنوان کاربران اصلی محیط شان، سبب ایجاد ارتباطی دو طرفه خواهد شد که حداکثر رضایت نسبت به شهر را ایجاد خواهد کرد. زیبایی شناسی منظر را می‌توان به عنوان لذت و قدردانی که در نتیجه مشاهده هر نوع منظر تجربه می‌شود، تعریف کرد. ارزش زیبایی شناسی مناظر، مزایای سلامتی و اجتماعی مختلفی را به همراه دارد. در ادامه با مطالعه ادبیات نظری و سابقه بحث، لایه‌های بیشتری از موضوع، بررسی و بازبینی خواهد شد.

رویکردهای مختلفی نسبت به منظر شهر و طراحی آن در طول تاریخ وجود داشته است: شامل چهار رویکرد اصلی کالبدی، عملکردگرایی، پدیدارشناسی و پایداری (Golkar, 2008). هنر در شهر، بخشی از تجربه روزانه شهروندان است. بنابراین فهم آن، به درک مردم از آن گره می‌خورد (Mansouri & Shad, 2022, 148). بررسی ادبیات نظری سال‌های اخیر، پیرامون کلید واژه‌های زیبایی شناسی منظر شهر، در پایگاه‌های داده همچون Science Direct و Google Scholar, Scopus در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۴ نشان داد مقالات در این زمینه ویژه، به گستردگی پژوهش‌های انجام شده پیرامون منظر شهر و سایر ارزش‌های غالب در آن نیست. بررسی کیفیت زیبایی منظر یک موضوع مهم در پژوهش‌های محیط زیست سکونت انسانی است و در

برنامه‌ریزی شهری معاصر نیز بسیار مهم تلقی می‌گردد (Gobster, Ribe & Palmer, 2019; Acar, Acar & Eroglu, 2007). در نظام مفهومی زیبایی شناسی، این کیفیت به ارزیابی عینی و ذهنی افراد از انواع زیبایی شناختی قابل درک تا اشیا قابل مشاهده اشاره دارد (Markovic, 2012). اصطلاح «زیبایی شناختی» به درک قدردانانه مردم از شی مورد مشاهده یا درک شده، از جمله قضاوت زیبایی شناختی ذهنی بیننده و پارادایم زیبایی شناختی عینی و اجتماعی اشاره دارد (Page, 2022). به طور کلی در مقالات مطالعه شده پیرامون زیبایی شناسی در منظر شهر؛ دو رویکرد متضاد اصلی به زیبایی شناسی منظر وجود دارد: پارادایم ذهنی و عینی (keshtkaran, Habibi & Sharif, 2017; Karasov, Avelino, Kylvik & Chervanyov, 2020). نظریه اول یک نظریه متمرکز بر انسان است که در آن زیبایی به ادراک بصری ذهنی بیننده بستگی دارد. دومی بر کیفیت های ذاتی شی تمرکز می‌کند (Kerebel, Lothian, 1999; Dearden, Gelinas, Dery & Munson, 2019; Daniel, 2001; 1987). در دسته بندی مشابه دیگری، تقسیم بین روش‌های توصیفی "خبره" (برگرفته از یک پارادایم عینی) و مدل‌های ترجیح "عمومی" (پارادایم ذهنی) هنوز در پژوهش‌های ارزیابی منظر که از فلسفه زیبایی‌شناسی به ارث رسیده است قابل توجه است (Daniel, 2001; Williams, 2019). پارادایم عینی نقش مهمی در روزهای ابتدایی زیبایی شناسی محیطی در دهه ۶۰ و ۷۰ ایفا کرد (Plieninger, Van der Host, Schleyer & Beiling, 2014). ارزیاب‌های خبره بر عناصر زیبایی‌شناختی بیولوژیکی/ اکولوژیکی و رسمی تمرکز می‌کنند و بر ساختار فیزیکی منظر تأکید دارند (Ervin, Zube, Sell & Taylor, 1982). در مقابل، پارادایم ذهنی در ۲۰ سال گذشته به دلیل نیاز روزافزون به مشارکت عموم در مسائل منظر و در نتیجه تغییر دستور کار، به مطالعه افکار عمومی در پژوهشات مسلط شده است (Nijhuis, Van Lammeren & Van der Hoeven, 2011). پارادایم ذهنی به نوعی مبتنی بر معیارهای روان‌شناختی است که جنبه‌های شناختی و پدیدارشناختی را شامل می‌شود و بر تفسیر مشاهده‌گر از منظر تمرکز دارد. این نوع مطالعات همچنین چگونگی تغییر دیدگاه‌های ذهنی بسته به سن، حرفه، پیشینه، میراث فرهنگی، تخصص محیطی و سایر ابعاد اجتماعی را تحلیل می‌کنند (De val, Atauri & De Lucio, 2006; Dramstad, Tveit, Ebner, 2023 Schirpke & Fjellstad & Fry, 2006 Tappeiner, 2022; Schirpke, Molk, Feilhauer, Tappeiner & Tappeiner). برخی از محققان نیز پیشنهاد می‌کنند که ترکیبی از این دو رویکرد برای درک جامع‌تر، بسیار مهم است (Frank, Furst, Koschke, Witt &)

Atik, Canay, Ortacesme & ; Makeschin, 2013 (Yildirim, 2017). پس ارزیابی زیبایی‌شناختی را با توجه به فلسفه و زمینه‌های زیبایی‌شناختی می‌توان به سه رویکرد تقسیم کرد: رویکردهای عینی (خبره)، ذهنی (ترجیح عموم) و عینی-ذهنی (کل گرا-همگرا) (Mundler et al, 2022). همان‌طور که پیشتر اشاره شد، منظر شهری، یک شی قابل مشاهده مهم است که بر قضاوت افراد بر کیفیت زیبایی‌شناسی شهر و کیفیت زندگی ساکنان تاثیر می‌گذارد (Zhu, He & Zhu, 2022; Nohl, 2001). یکی از عوامل تعیین‌کننده برای ایجاد تصویری از محیط زندگی، خاطرات شخصی است که به عوامل زیبایی موجود در محل مربوط می‌شود (Purici & Mareci, 2022, 38). ترجیح زیبایی‌شناختی به عوامل متعددی مانند نوع منظر، تصاویر حافظه افراد و تفاوت‌های فرهنگی بستگی دارد (Kalivoda, Vojar, wang, Zhao ; Skřivanová & Zahradník, 2014 & Liu, 2016). حال سوالات زیر مطرح می‌شود که: چه متغیرهای آشکار و پنهانی در طراحی منظر شهر روزمره با تاکید بر "تجربه انسان از زیبایی" وجود دارند؟ ارتباط بین مقوله‌ها و متغیرهای طراحی منظر شهر با رویکرد زیبایی‌شناسی به چه ترتیب است؟ چگونه می‌توان با رویکرد زیبایی‌شناسی از دیدگاه تجربه شهروند، مدلی برای تعیین مؤلفه‌های طراحی منظر شهر روزمره ارائه داد؟

داده‌ها و روش کار

مقاله اخیر، بررسی یک پدیده اجتماعی است و با الگوواره پدیدارشناسی و راهبرد توسعه نظریه به روش استقرایی شروع شد. مفروضات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی آن بر پایه ذهنیت‌گرایی، واقعیت‌چندگانه با ارزش اجتماعی، و محقق نیز جزئی از پژوهش به حساب آمد. روابط اجتماعی همواره با شیوه پژوهش‌های، کیفی قرین است. نظریه داده‌بنیاد به دنبال کشف یا ساخت نظریه از داده‌هایی است که به طور سیستماتیک با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای به دست آمده و تجزیه و تحلیل می‌شوند. با طرح فرم‌های مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته و بررسی نظرات خبرگان شامل استادان و متخصصین رشته شهرسازی از یک سو، و طراحی فرم مصاحبه نیمه ساختار یافته دیگری با کمک نظرات خبرگان ویژه شهروندان در شهر بابل که مورد پژوهش قرار گرفته است، داده‌های مورد نظر در بخش کیفی جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری و حجم نمونه در روش داده‌بنیاد با معیار اشباع نظری است به این معنی که نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که هیچ‌کدام جدیدی ظهور نکنند. کدهای به دست آمده با دیگر کدهای مشابه از زوایای گوناگون مقایسه خواهند شد مسیرهای اشتباه رها شده و کدبندی‌های جدید

ایجاد می‌شود و بر حسب پیشرفت نظریه در بررسی پدیده محوری، تعدیل می‌گردند. از تعداد ۵۰ مصاحبه شونده شامل ۹ نفر خبره و ۴۱ نفر شهروند، کدهای اولیه باز به کدهای محوری، مقوله بندی گردید، و در آخر با کدهای گزینشی، مفهوم بندی و نگارش شدند تا در نهایت بتوان طبق قالب پارادایم داده بنیاد، مدل کیفی پیشنهادی از متغیرهای پژوهش را ارائه داد. پژوهش با یک روش، چه صرفاً کیفی و یا کمی به نوعی یک جانبه نگری دارد. برای تعمق بیشتر نسبت به پدیده، الگو واره پژوهش نیز به عمل‌گرایی تکامل یافت. بعد از به اشباع رسیدن داده‌های کیفی با نرم افزار مکس کیودا^۲ ترجیح داده شد به سراغ یکی از روش‌های کمی رفته تا مدل به دست آمده اعتبارسنجی گردد. با روش کمی تحلیل عاملی تأییدی و کمترین مربعات جزئی تعمیم یافته از طریق نرم افزار اسمارت پی ال اس^۳، مدل پیشنهادی کیفی، مورد سنجش قرار می‌گیرد. این روش، یک مدل اندازه‌گیری است که روابط بین متغیرهای پنهان و آشکار را تعریف و ساختار علی بین متغیرهای پنهان را نیز مشخص می‌کند. ابتدا با طرح پرسش‌نامه برای ۳۰ نفر خبرگان شامل استادان شهرسازی، روایی و پایایی پرسش‌نامه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات میدانی بررسی شد و سپس پرسش‌نامه به دست آمده در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت، برای نمونه آماری ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری کوکران برای جامعه مورد پژوهش، شهرستان بابل، توزیع شده و مدل پیشنهادی راستی‌آزمایی شد. روش پژوهش حاضر، به موازات شکل‌گیری ایده پژوهش تا به دست آمدن نتایج هر مرحله، به توالی، ابتدا از روش کیفی و سپس کمی بهره می‌گیرد و روش پژوهش، ترکیبی است و به نوعی از طریق راهبرد استقرا، مدل کیفی نظری ایجاد شده با داده‌های کمی گردآوری شده، با فرض آزمودن و پروراندن مدل، مورد ارزیابی و توصیف قرار می‌گیرد.

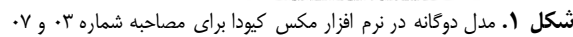
شرح و تفسیر نتایج

در این پژوهش با روش کیفی نظریه داده بنیاد شروع به طرح مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته در مورد پدیده محوری از مردم شد. در ابتدا باید اشاره کرد، مصاحبه شونده‌گان به دو گروه خبرگان و شهروندان تقسیم شدند. ابتدا با استادان و افراد متخصص در زمینه طراحی شهر، مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آمد. سپس با توجه به کدهای به دست آمده از نظرات متخصصین، فرم مصاحبه دیگری برای شهروندان طراحی شد. در مجموع با توجه به سوالات باز در طراحی هر دو فرم، میزان مشارکت در بین خبرگان تعداد ۹ نفر و در شهروندان ۴۱ نفر می‌باشد. جنسیت افراد نیز از تعداد ۵۰ نفر مصاحبه شونده، ۲۷ نفر زن و ۲۳ نفر مرد هستند. نتایج اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه شونده، حاکی از آن است از میان ۵۰ فرد مصاحبه شونده، ۱ نفر در گروه سنی زیر ۲۰ سال مشاهده شد. این در

رسیدن به پدیده محوری پژوهش، ۲۱۹ کد و ۳۶ مقوله در کدهای باز به دست آمد. در رتبه اول از فراوانی کدهای استخراج شده، مقوله "جایگاه شهرداری‌ها" ۲۱ بار و مقوله "نقش مدیریت شهری" با تعداد دفعات ۱۸ بار تکرار، بیشترین کد را به خود اختصاص داد. بعد از آن به ترتیب، "رویکردهای زیبایی شناسانه" ۱۶ بار، "رفع خواسته مردم از منظر شهر" ۱۲ بار، و "اهمیت بار هویت در منظر شهر" ۹ بار تکرار، بیشترین دفعات تکرار کد را داشتند. راهبردها به مدیریت، اداره کردن، یا پاسخ دادن به پدیده، تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده شده، از سوی کنش گران تعبیر می‌شوند. در کد انتخابی راهبردها برای رسیدن به تبیین "مولفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی شناسی"، ۴۹۸ کد به طور کل استخراج گردید. سه کد محوری از راهبردها تعیین شد، به ترتیب: "راهبردهای طراحی و اجرایی"، "راهبردهای ساختاری و فرآیند محور" و "راهبردهای مدیریتی و قانونی". در این بین در کدگذاری‌های باز، مقوله "تأثیر ریشه‌های هویتی در قضاوت زیبایی شناسی منظر شهر" با ۴۱ بار تکرار در اسناد، مقوله "طراحی شهر متناسب با خواسته‌های شهروندان و تغییرات اجتماعی" با ۳۵ بار تکرار، مقوله "طراحی احجام معماری و بدنه متناسب شهری" با ۳۱ بار، مقوله "تمرکز رویکرد زیباشناسی به نیاز مخاطبین تا جریان فکری پدید آورنده" آن با ۲۷ بار، مقوله "توجه به نشانه‌های تاریخی فرهنگی در ارزیابی زیبایی" ۲۶ بار، مقوله "توجه به ارتباط منظر متعالی با اخلاقیات فرهنگ و جهان بینی" با ۲۳ بار تکرار، و مقوله‌های "توجه به طبیعت، توسعه فضای باز در طراحی" و "ایجاد فضاهای تعاملی و تفرجگاه" با ۲۱ و ۱۵ بار تکرار به ترتیب، از رتبه اول تا هشتم بیشترین تکرار کد را به خود اختصاص دادند. پیامدها، خروجی‌های حاصل از به کارگیری راهبردها است و در نهایت کد انتخابی پیامدها با ۱۶۷ کد کلی استخراج شده، در سه مقوله محوری "برونداد پدیده بر منظر شهر"، "برونداد پدیده بر روی مردم" و "برونداد پدیده بر هویت" خلاصه می‌شود.

جهت پایایی مدل کیفی و بررسی اشباع نظری یافته‌ها، در مدل دو گانه^۴ نرم افزار مکس کیودا، دو مصاحبه InterV03 و InterV07 با یکدیگر مقایسه شدند. علت اتخاذ این دو مصاحبه به منظور بررسی پایایی آن است که هر دو دارای بیشترین و بالاترین بخش کدگذاری شده در بین تمامی مصاحبه شوندگان، بودند. بر پایه یافته‌های نمودار زیر، آن دسته از کدهایی که در وسط قرار دارند و با پیکان دوسویه قرمز نمایش داده شده‌اند، بین دو مصاحبه شونده ۰۳ و ۰۷ مشترک بوده و هر دو به این کدها اشاره کردند. کدهایی که در سمت راست مصاحبه شونده ۰۷ قرار دارند، کدهایی است که تنها فرد مصاحبه شونده شماره ۰۷ به آن‌ها اشاره کرده و از سوی مصاحبه شونده ۰۳ اشاره نشده است و برعکس آن نیز صادق است.

حالی است در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۰ تا ۴۰ سال به ترتیب ۱۰ و ۱۴ فرد مصاحبه شونده دیده شد. گروه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال نیز تعداد ۸ نفر و در آخر بیشترین مشارکت با گروه سنی بالای ۵۰ سال با تعداد ۱۷ نفر صورت گرفت. در پژوهش حاضر، ۵ گروه تحصیلی در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که در گروه دیپلم و زیر دیپلم ۴ فرد، ۱ نفر مقطع کاردانی، ۱۷ نفر در گروه کارشناسی، ۱۵ نفر در گروه کارشناسی ارشد و در نهایت، ۱۳ نفر در گروه تحصیلی دکتری تخصصی مشاهده گردید. از حیث تفکیک منطقه سکونت، در پخش فرم مصاحبه، تاکید بر توزیع آن در گستره کل محلات شهر بابل بود که خوشبختانه این امر تا حدودی میسر شد. قابل ذکر است که ۲ فرد به این سوال پاسخ ندادند. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام مقولات باز استخراج شده از فایل‌های مصاحبه، به عنوان کد با تعداد ۱۸۷۹ مورد در نظر گرفته شد. سپس با لحاظ نمودن موضوع، هر کدام، در یک "مقوله مشابه" با نام محوری دسته بندی شدند. رفته رفته هر یک از این مقوله‌ها زیرمجموعه یکی از ۶ تم اصلی یا انتخابی پژوهش گردید. پدیده محوری در مطالعه حاضر، "مولفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی شناسی" است. ابتدا عامل علی بررسی می‌گردد. همان طور که ذکر شد، به شرایطی، علی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده است. با تحلیل و بررسی مصاحبه‌ها، سه مقوله محوری با نام‌های "تعریف منظر شهر"، "عوامل بیرونی مؤثر در شکل گیری منظر" و "عوامل درونی مؤثر در شکل گیری منظر" با ۱۸ مقوله باز در عوامل علی شناسایی شدند. در مقوله انتخابی با نام عامل علی، به طور کل ۱۳۹ کد برداشت و تکرار شده است. در این بین مقوله باز "رابطه غیرقابل تفکیک عناصر مختلف ساخت منظر" و "رابطه غیرقابل تفکیک زیبایی عینی و ذهنی" با ۴۱ و ۴۰ کد، بیشترین تعداد کد را به خود اختصاص داده‌اند. شرایط زمینه مجموعه‌ای خاص از ویژگی‌های مربوط به پدیده محوری است. شرایط زمینه ای شامل سه کد محوری "وضعیت فعلی شهر" و "فرصت‌ها، توقعات و نیازها نسبت به شهر" در ۱۹ مقوله باز ارائه شده و به طور کل ۲۸۶ کد از فایل‌ها را به خود اختصاص داده است. مقوله "اهمیت به بدنه و نما شهری" با ۳۴ کد مجزا بالاترین و پراهمیت‌ترین مقوله در عوامل زمینه ای است و اشاره به فرسودگی بالای نمای شهری داشت. بالاترین تعداد کد در مجموع مقوله و زیر مقوله‌های آن مقوله "اماکن و نقاط عطف شهر بابل" است که با ۸۶ کد شامل، مهم‌ترین بناها و اماکن طبیعی تاریخی و معماری شهر از نگاه مردم، بیشترین تعداد را داراست. مقوله "توجه به بعد اجتماعی - فرهنگی" منظر با مجموع ۴۳ کد در رتبه سوم مشاهده می‌شود. در موضوع عوامل مداخله گر شامل سه کد محوری "مدیریت شهری و شهرداری‌ها"، "عوامل محدود کننده" و "عوامل تسهیل کننده" برای

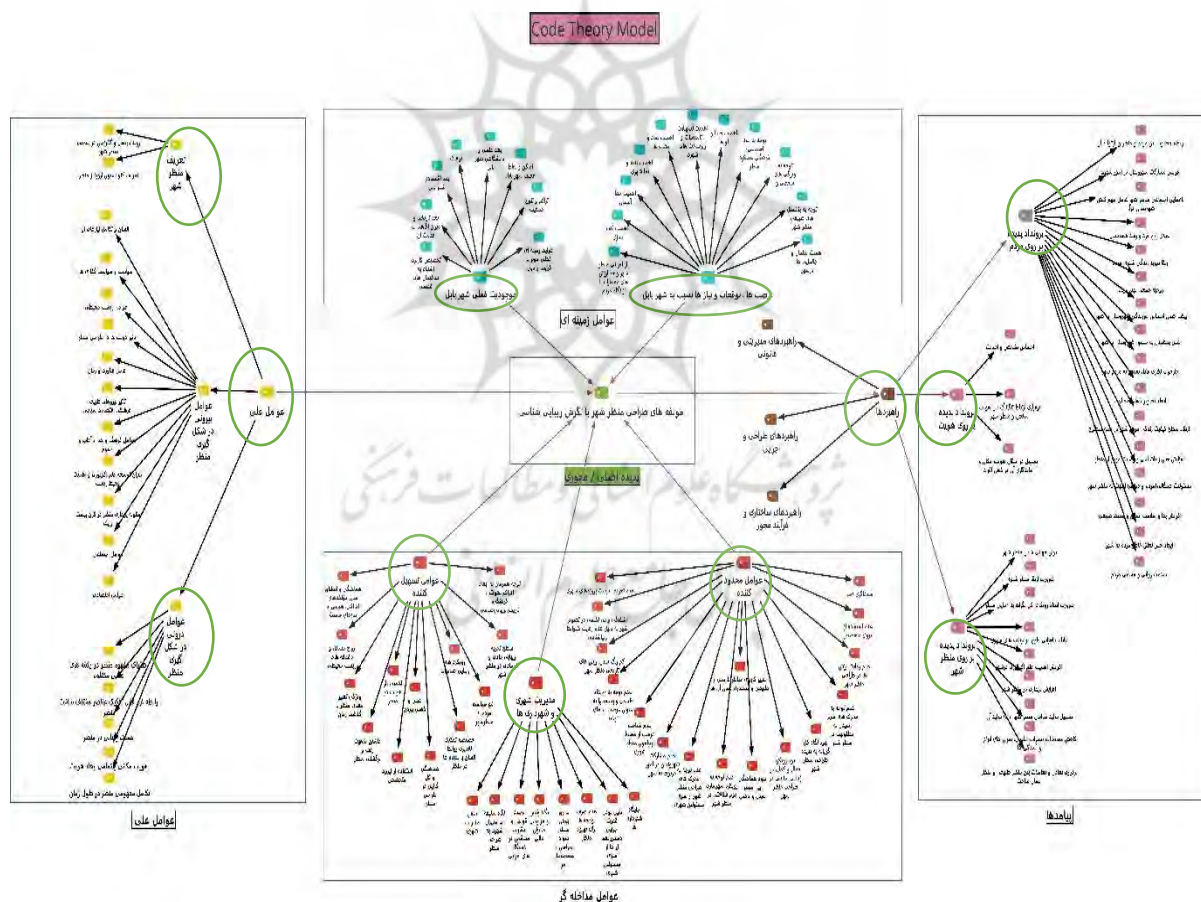


به طور کلی پایایی، اعتبار مدل و اشباع نظری داده‌ها در نرم افزار مکس کیودا را می‌توان از گزینه‌های دیگری در نوار ابزار نرم افزار شامل زبانه متقاطع^۵ یا از شبکه اختصار تحلیل کرد. جدول ۱، میزان توزیع کدهای استخراج شده در زبانه متقاطع را نشان می‌دهد. اعدادی که به صورت درصد در این تصویرگزارش شده بیانگر این است که کد مورد نظر بر اساس فایل مصاحبه شونده، چند درصد از کل کدگذاری را به خود اختصاص می‌دهد و به معنای تعداد تکرار بالاست. برای مثال، اگر به سطر جمع بندی نگاه کنیم، بیشترین کدهای استخراج شده مربوط به مصاحبه شونده به نام‌های ۰۷ و ۰۳ با ۲۱۰ کد است

[illegible]

نیازها و توقعات از شهر بابل" است. عوامل مداخله گر نیز سه متغیر "مدیریت شهری و شهرداری‌ها"، "عوامل محدود کننده" و "عوامل تسهیل کننده" را مهم می‌شمارد. تاثیر عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله گر بر روی پدیده مورد بحث، راهبردها را، شکل می‌دهد که به‌ترتیب در کادر بالا، پایین و راست پدیده محوری قابل مشاهده است. راهبردها نیز از متغیرهای "راهبردهای طراحی و اجرایی"، "ساختاری و فرآیند محور" و "مدیریتی و قانونی" تشکیل شده است. مدیریت شهری نیز اثر به‌سزایی در افزایش زیباسازی دارد (Cumming et al, 2017). سازمان دهی برای زیباسازی مناظر شهری و رفع آلودگی‌های بصری نیز، نیازمند مدیریت و برنامه ریزی پایدار است (Dabbagh & Dabbagh, 2022, 22). به‌طور کلی برنامه ریزی برای طراحی شهری در تقویت روابط اجتماعی مردم نقش اساسی ایفا می‌کند (Al-Ghiyadh & Al-Khafaji, 2021).

در نهایت بر اساس یافته‌های تجزیه و تحلیل کیفی می‌توان مدل پارادایمی با عنوان متغیرهای موثر بر طراحی منظر شهر با رویکرد زیبایی شناسی را ارائه کرد. شکل ۲، یک نمودار گرافیکی کیفی در مکس مپ^۶ است که رابطه بین ۶ عامل اصلی و تاثیرگذار بر پدیده محوری را تبیین می‌کند. در این نمودار، هر کدام از ۶ عامل با نام کد انتخابی از تعدادی مقولات محوری و مقولات باز تشکیل شده است که در اینجا مقولات محوری با فرض متغیر پنهان و مقولات باز به عنوان متغیرهای آشکار نام گذاری می‌شوند. به‌ترتیب از چپ تصویر؛ عوامل علی که همان محرک‌های اصلی تشکیل یک پدیده هستند و نقش مستقلی را ایفا می‌کنند. شامل سه متغیر پنهان "تعریف منظر شهر"، "عوامل بیرونی" و "عوامل درونی" موثر بر شکل گیری منظر شهر می‌باشد. هر یک از این متغیرهای پنهان دارای مقوله‌های باز یا آشکاری هستند که مقوله مورد نظرشان را روشن‌تر می‌کنند. عوامل زمینه‌ای شامل دو متغیر "موجودیت فعلی شهر بابل" و "فرصت‌ها،



شکل ۲. مدل پیشنهادی متغیرها (مدل بهینه پژوهش)

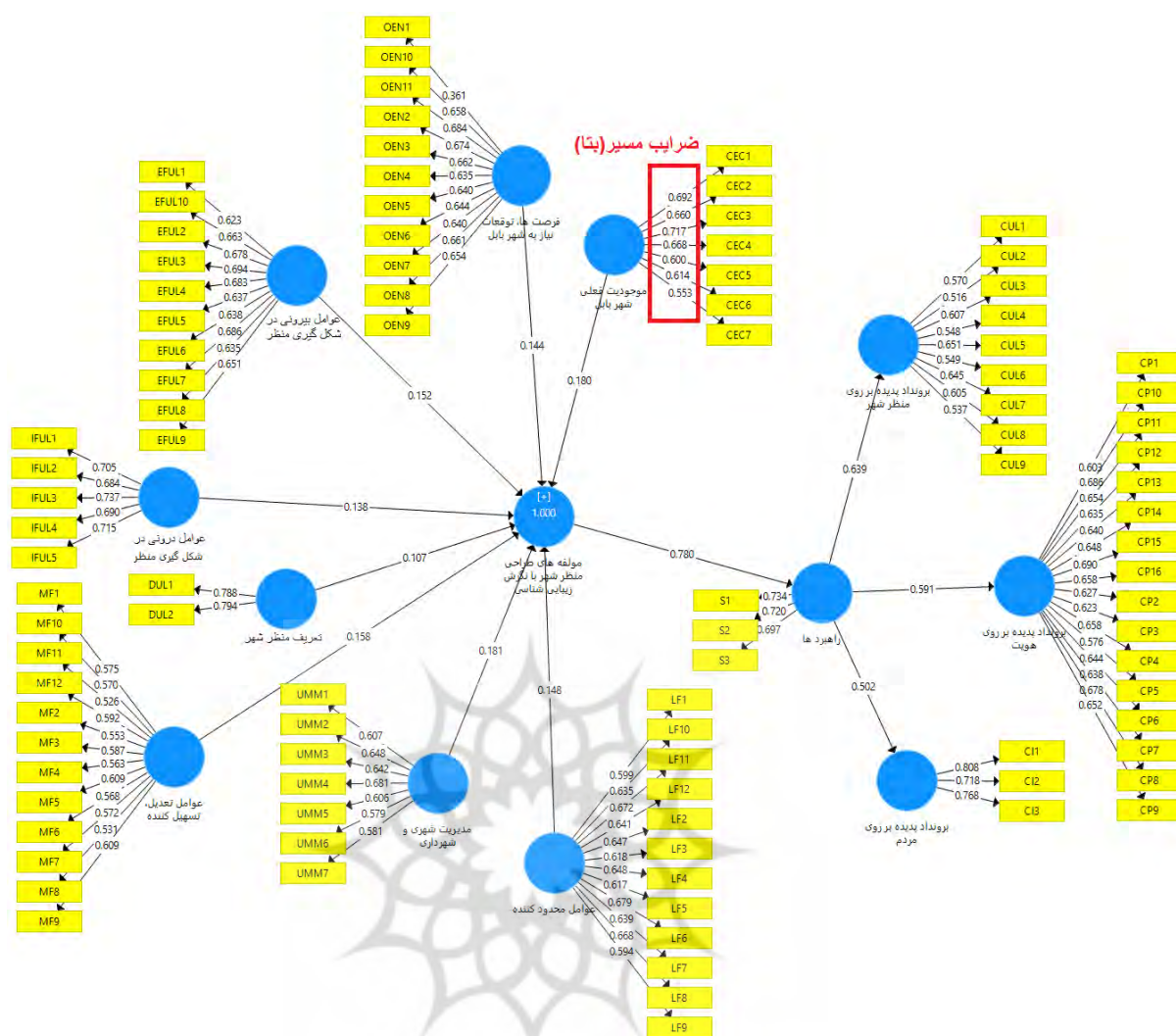
شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها در محیط کار توسط ۳۰ نفر از استادان بررسی و در نهایت بین نمونه آماری ۳۸۴ شهروند در شهر

بر اساس نتایج حاصل در بخش کیفی مقاله، پرسشنامه‌های محقق ساخته با متغیرهای شرایط علی، زمینه‌ای، پدیده محوری،

بابل پخش شده است. روابط بین متغیرها و مجموع نتایج پژوهش در این بخش قابل بررسی خواهد بود اما ابتدا یافته‌های جمعیت‌شناسی تحلیل می‌گردد. بر اساس نتایج پژوهش ۱۷۵ نفر از نمونه آماری پژوهش (۴۵/۵۰ درصد) را مردان و ۱۹۴ نفر (۵۰/۵۰ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. ۱۵ نفر (۴ درصد) نیز مایل به پاسخ گویی نبودند. مشارکت زنان با اختلاف حدودی ۵ درصد از مردان بیشتر بوده اما به طور نسبی هر دو گروه در روش کمی مشارکت بالایی داشته‌اند. در پژوهش حاضر در مرحله کمی نیز، ۵ گروه تحصیلی در نظر گرفته شد. بالاترین مقاطع به‌ترتیب کارشناسی ارشد با ۹۶ نفر (۲۵/۰۰ درصد) بعد از آن مقطع تحصیلی کارشناسی با ۹۲ نفر (۲۴ درصد) بیشترین سطح تحصیلاتی را شامل می‌شوند. کمترین مشارکت سطح تحصیلاتی نیز در مقطع کاردانی و دکتری با ۶۶ نفر (۱۷/۲۰ درصد) و ۵۸ نفر (۱۵/۱۰ درصد) نفر به دست آمده است. یافته‌ها از میان ۳۸۴ فرد، ۵۳ نفر (۱۳/۸۰ درصد) را در گروه سنی زیر ۲۰ سال نشان می‌دهد. این در حالی است در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۰ تا ۴۰ سال به ترتیب ۶۵ نفر (۱۶/۹۰ درصد) و ۱۰۷ نفر (۲۷/۸۰ درصد) فرد مصاحبه شونده دیده شد. گروه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال نیز تعداد ۶۵ نفر (۱۶/۹۰ درصد) و گروه سنی بالای ۵۰ سال نیز با تعداد ۹۴ نفر (۲۴/۴۰ درصد) انجام گرفت. بیشترین گروه مشارکت در سنین ۳۰ تا ۴۰ و بالای ۵۰ سال صورت گرفته است. بر اساس نتایج گزارش شده ۷۹ نفر (۲۰/۵۰ درصد) در صد نمونه آماری) در مرکز شهر، ۷۵ نفر (۱۹/۵۰ درصد) در غرب شهر، ۶۹ نفر (۱۷/۹۰ درصد) در شرق شهر، ۸۴ نفر در مناطق جنوب شهر تهران (۲۱/۸۰ درصد) در صد نمونه آماری) و ۷۷ نفر (۲۰ درصد) در صد نمونه آماری) در شمال شهر سکونت داشته‌اند که حدود مناسبی از مناطق مختلف شهر در این پرسش‌نامه مشارکت کردند. پی‌ال‌اس سیم^۷، یک روش آماری ناپارامتریک است که وقتی داده‌ها غیرنرمال هستند، تا اندازه‌ای قوی عمل می‌کند. در این مطالعات، نیازی به انجام آزمون عدم نرمال بودن جامعه آماری نیست. به این دلیل که مقیاس داده‌ها در طیف لیکرت گسسته بوده، و این موضوع، احتمال توزیع نرمال داده‌ها را بسیار کم خواهد کرد. با توزیع غیرنرمال داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که برای بررسی فرضیه‌های پژوهش باید از روش ناپارامتریک و نرم افزار حداقل مربعات جزئی، استفاده شود.

تحلیل مدل در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی از دو مرحله اصلی شامل بررسی برازش مدل و سپس آزمون فرضیه‌های پژوهش تشکیل می‌شود. مرحله بررسی برازش مدل شامل سه بخش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و برازش مدل کلی

است. به‌طور کلی یک مدل اندازه‌گیری مربوط به بخشی از مدل کلی می‌شود که دربرگیرنده یک متغیر یا سازه به همراه سوالات یا گویه‌های مربوط به آن است. مدل اندازه‌گیری به نوعی اعتبارسنجی روابط بین گویه‌ها (متغیرهای آشکار) با سازه (متغیر پنهان) مرتبط آن می‌باشد. برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. معیار سنتی برای پایایی سازگاری درونی، آلفای کرونباخ است که برآوردی از پایایی بر اساس همبستگی درونی متغیرهای معرف مشاهده شده ارائه می‌کند. آلفای کرونباخ فرض می‌کند که همه معرف‌ها به یک اندازه پایا هستند. اما پی‌ال‌اس سیم، معرف‌ها را مطابق پایایی انفرادی خودشان اولویت بندی می‌کند. علاوه بر این، آلفای کرونباخ به تعداد آیتم‌های هر شاخص حساس است و به طور کلی به کم برآوردی پایایی سازگاری درونی تمایل دارد. مقدار این شاخص باید بالای ۰/۷۰ و در بعضی منابع تا ۰/۶۰ باشد (Taber, 2018; Chin, 1998; Kline, 2015). به ویژه هر زمان، در پاسخ به گویه‌های متغیر پنهانی، اگر اکثر جواب‌ها در یک عدد طیفی مشخص خلاصه گردد، که بسته به نوع نگاه مردم ممکن است نظرات مشابه هم داده شود، آلفای کرونباخ در برآورد پایایی با حساسیت بالا عمل می‌کند. به دلیل محدودیت‌های آلفای کرونباخ در جامعه، استفاده از یک معیار دیگر برای پایایی سازگاری درونی جایز است، که از آن به عنوان پایایی مرکب^۸ نام برده می‌شود. این نوع پایایی بارهای بیرونی متفاوت متغیرهای معرف را مورد توجه قرار می‌دهد. مقدار مناسب برای این شاخص ۰/۷۰ می‌باشد (Chin, 1998). روایی همگرا، میزان همبستگی بین هر متغیر پنهان با گویه‌ها یا سوالات مرتبط آن می‌باشد. روایی همگرا در دو سطح معرف و عامل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح معرف مقدار ضرایب بارهای عاملی در بازه بین ۰/۵۰ تا ۰/۷۰، ملاک قابل قبولی برای اعلام روایی همگرا است (Kline, 2015; Hair, 2006). با توجه به اینکه همبستگی مدل اندازه‌گیری در این پژوهش، از نوع معادلات خطی و رگرسیونی و حداقل مربعات جزئی تعمیم یافته است، ضرایب مسیر(بتا) به جای ضرایب بارهای عاملی مدنظر قرار گرفته است که ملاک مناسب بودن این ضرایب مقادیر بالاتر از صفر تا ۱ قابل قبول می‌باشد. با بررسی متدل پژوهش در شکل ۳، حالت ضرایب مسیر مشاهده می‌گردد که کلیه بارها بیشتر از ۰/۵۰ بوده و بدین صورت روایی همگرا مورد تایید قرار می‌گیرد و نشان دهنده برازش بسیار مناسب مدل‌های اندازه‌گیری است.



شکل ۳. برازش مدل پیشنهادی در ضریب بتا.

این مدل مفهومی، بالاتر از همبستگی این متغیر با سایر متغیرهای مکنون در مدل مسیری است. در این جا باید عنوان کرد، داده‌های آماری در علوم انسانی دارای نوعی گسستگی است و در مقایسه با داده‌های علوم آزمایشگاهی از دقت و پیوستگی بین عددی کمتری برخوردار است. کما اینکه در این نوع داده‌ها که از نگاه مردم به پدیده مورد بحث می‌پردازد، امکان عدم آشنایی توده مردم با مفاهیم ویژه و کمبود اطلاعات کافی نسبت به مباحث شهری وجود داشته باشد. لذا انتظاری که از نتایج به دست آمده برای تطابق با معیارهای استاندارد، جهت ارزیابی مطلوب عنوان می‌شود، از واقعیت به دور بوده و دستیابی به برازش ایده آل برای تمامی روابط بین متغیرها، در علوم اجتماعی، منطقی و طبیعی نمی باشد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می - کنید، با توجه به یافته های آماری برازش مدل اندازه گیری از حیث پایایی شاخص، روایی همگرا و روایی واگرا تأمین شد. حال به بررسی برازش مدل ساختاری پرداخته خواهد شد.

برای بررسی روایی همگرا در سطح عامل از شاخص میانگین واریانس استخراج شده AVE^9 استفاده می‌شود که حداقل مقدار مناسب برای این ضریب از دیدگاه فورنل - لارکر (۱۹۸۱) مقدار ۰/۵۰ و از دیدگاه مگنر و همکاران (۱۹۶۶) مقدار ۰/۴۰ می‌باشد. با توجه اکثریت مقادیر در جدول ۲ (بالاتر از ۰/۴۰) این موضوع حکایت از روایی همگرایی مناسب مدل دارد. روایی واگرا نیز اندازه ای است که یک سازه به درستی از سایر سازه‌ها با معیارهای تجربی متمایز می‌شود. بنابراین، تحقق روایی واگرا نشان می‌دهد که سازه منحصر به فرد است و پدیده به وسیله سایر سازه‌های مدل احاطه نشده است. این معیار ریشه دوم (جذر) مقدار میانگین واریانس استخراج شده AVE را با همبستگی میان متغیرهای مکنون مقایسه می‌کند. منطق این روش بر اساس این فرض است که یک سازه باید واریانس بیشتری را با معرف متناظر خود تا سایر سازه‌ها به اشتراک گذارد. در این پژوهش نیز، ریشه دوم AVE برای اکثر متغیرهای متناظر در

جدول ۲. مقادیر ضریب پایایی ترکیبی برای سازه‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	روایی همگرا	روایی واگرا
مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی (پدیده محوری)	0/94	0/92	0/67	0/81
تعریف منظر شهر	0/88	0/85	0/43	0/65
عوامل بیرونی در شکل‌گیری منظر شهر	0/83	0/74	0/49	0/70
عوامل درونی در شکل‌گیری منظر شهر	0/76	0/40	0/62	0/79
موجودیت فعلی شهر	0/83	0/76	0/41	0/64
فرصت‌ها توقعات نیازها در شهر	0/87	0/84	0/40	0/63
عوامل محدود کننده	0/89	0/86	0/40	0/63
عوامل تعدیل کننده	0/85	0/81	0/32	0/57
مدیریت شهری و شهرداری	0/81	0/73	0/38	0/62
راهبردها	0/76	0/52	0/51	0/71
برونداد پدیده بر منظر شهر	0/82	0/75	0/34	0/58
برونداد پدیده بر هویت	0/91	0/90	0/41	0/64
برونداد پدیده بر مردم	0/80	0/64	0/58	0/76

محققان باید مقدار Q^2 را نیز بررسی کنند. سنجه Q^2 یک معرف تناسب پیش بینی مدل است. در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه درون زا سه میزان $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ را کسب نماید (Hair, 2016)، به ترتیب نشان از قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه با سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. جدول ۳ مقدار ضریب تعیین و قدرت پیش بینی مناسب مدل برای سازه‌های درون‌زای مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

برازش مدل ساختاری ارزیابی روابط بین متغیرهای مکنون یا پنهان پژوهش به شمار می‌رود. رایج‌ترین سنجه مورد استفاده برای ارزیابی مدل ساختاری ضریب تعیین (R^2) است. مقدار R^2 در برخی منابع اعلام شده که اگر از $0/10$ بالاتر باشد قابل قبول است. در منابعی دیگر مقدار R^2 برابر با $0/67$ ، $0/33$ یا $0/19$ برای متغیرهای مکنون درون زا، به ترتیب به عنوان قابل توجه، متوسط و ضعیف می‌تواند توصیف گردد (Henseler et al, 2015). علاوه بر ارزیابی بزرگی مقدار R^2 به عنوان معیارهای برای دقت پیش بینی،

جدول ۳. ضریب تعیین R^2 و معیار Q^2 سازه درون‌زای مدل پژوهش.

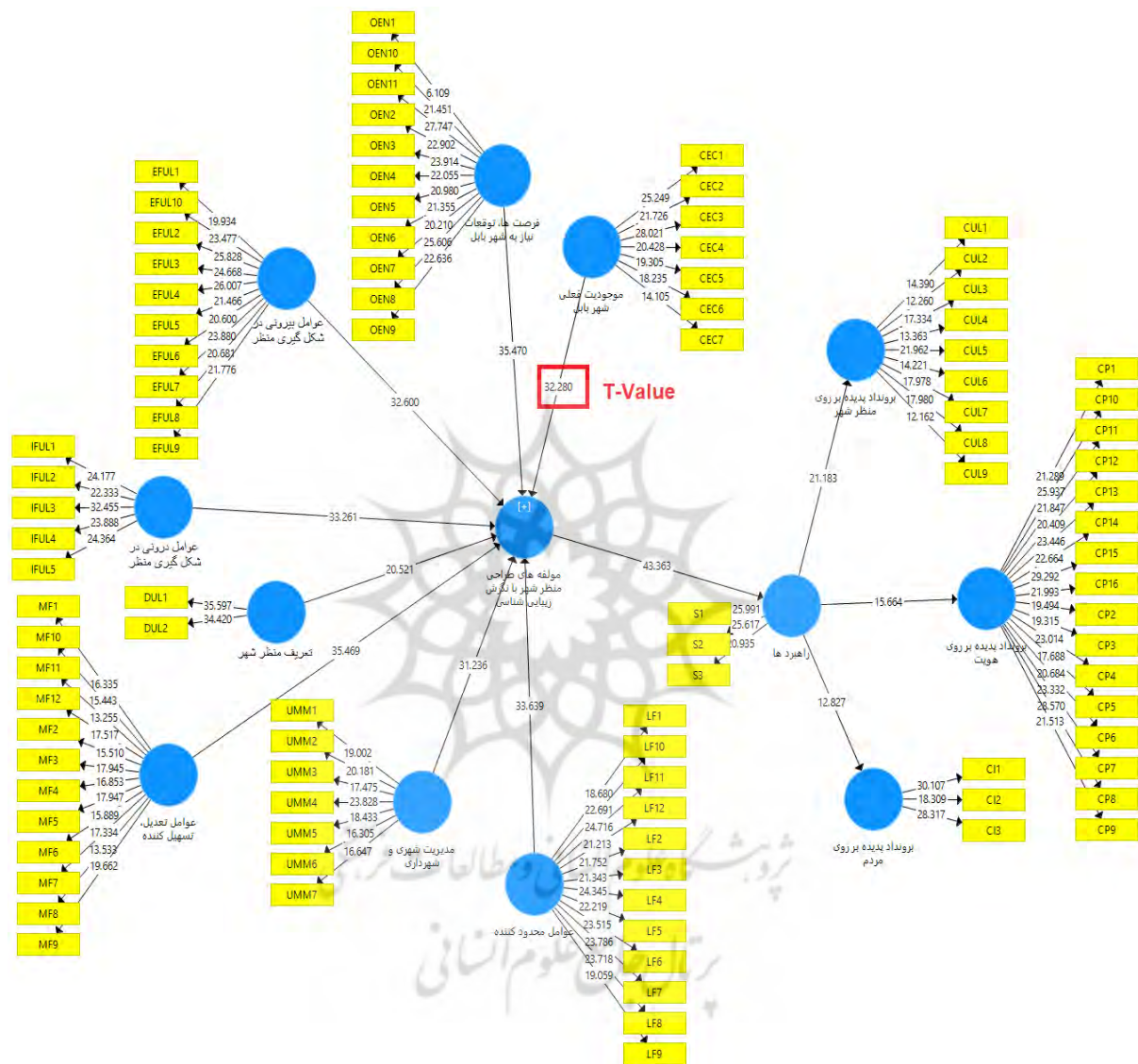
متغیرهای پژوهش	$Q^2 (= 1 - SSE/SSO)$	ضریب تعیین (R^2)
مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی (پدیده محوری)	-	1/00
راهبردها	0/30	0/60
برونداد پدیده بر روی هویت	0/13	0/34
برونداد پدیده بر روی منظر شهر	0/12	0/40
برونداد پدیده بر روی مردم	0/13	0/25

بوده که نشانگر قدرت توزیع و برازش خوب مدل ساختاری پژوهش از حیث آماره ضریب تعیین است. مقدار Q^2 بزرگ‌تر از صفر نیز نشان

مطابق با یافته‌های جدول ۳، مقادیر ضریب تعیین مربوط به متغیرهای وابسته پژوهش نزدیک به مقدار $0/33$ و بالاتر از این رقم

اسمارت پی ال اس قابل بررسی است که باید مقدار آن کمتر از ۰/۰۸ باشد. در پژوهش حاضر این مقدار برابر با ۰/۰۷۱ است. این شاخص نیز در آستانه قابل قبول خود قرار دارد، لذا می‌توان ادعا کرد که مدل پژوهش حاضر دارای برازش بسیار مناسبی است.

می‌دهد که مدل برای یک سازه درون‌زای دارای تناسب پیش بینی است. در مقابل مقادیر صفر و پایین‌تر فقدان قدرت پیش بینی را نشان می‌دهند. پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری، برازش مدل کلی پژوهش با شاخص $SRMR^{10}$ در نسخه سوم



شکل ۴. برازش مدل پیشنهادی در ضریب تی.

value است که باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌کنید این مقدار برای تمامی متغیرها عدد صفر را نمایش می‌دهد که روابط بین همگی سازه‌ها، تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر و فرضیه‌های پژوهش را با ۹۹/۹۰ درصد معناداری با احتمال بالایی تأیید می‌کند.

مطابق شکل ۴ از مدل برازش یافته، تمامی ضرایب تی از ۱/۹۶ بیشتر هستند که این امر معنادار بودن تمامی گویه‌ها و روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد. از مهم‌ترین دلایل در پذیرش یا رد فرضیه‌ها در یک پژوهش، مورد تأیید بودن ضرایب تی در مدل مفهومی است. معیار دیگر جهت قابل اعتماد دانستن روابط بین سازه‌ها و پذیرش فرضیه‌های پژوهش، مقدار P-

جدول ۴. بررسی روابط بین متغیرها در مدل پیشنهادی.

Results	P Values	T Statistics	STDEV	Sample Mean	روابط بین متغیرهای مدل پیشنهادی
Supported	0/00	33/65	0/00	0/15	عوامل بیرونی در شکل‌گیری منظر < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	12/75	0/03	0/50	راهبردها < برونداد پدیده بر روی مردم
Supported	0/00	20/33	0/03	0/64	راهبردها < برونداد پدیده بر روی منظر شهر
Supported	0/00	16/30	0/03	0/59	راهبردها < برونداد پدیده بر روی هویت
Supported	0/00	33/10	0/00	0/13	عوامل درونی در شکل‌گیری منظر < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	36/61	0/00	0/15	عوامل تعدیل، تسهیل‌کننده < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	19/78	0/00	0/10	تعریف منظر شهر < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	33/86	0/00	0/14	عوامل محدودکننده < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	35/72	0/00	0/14	فرصت‌ها، توقعات نیاز به شهر بابل < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	32/03	0/00	0/18	مدیریت شهری و شهرداری < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	31/48	0/00	0/17	موجودیت فعلی شهر بابل < مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی
Supported	0/00	42/52	0/01	0/78	مؤلفه‌های طراحی منظر شهر با نگرش زیبایی‌شناسی < راهبردها

بحث و نتیجه‌گیری

در خوانش ادبیات نظری حوزه زیبایی‌شناسی مناظر شهری از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۴، جدیدترین و پراهمیت‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر ارزش زیبایی‌شناسی در طراحی منظر شهر را می‌توان به این ترتیب عنوان کرد: واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، خلق هنر دیجیتال، نورپردازی نمادین، طراحی بیلوردهای تبلیغاتی چند بعدی، نشانه‌ها در اطراف بزرگراه‌ها و پارک‌های پاپ آپ در مناظر روزمره شهر که با استقبال زیادی روبه‌رو شده است. از دیگر مؤلفه‌های مؤثر می‌توان به تجارب شهری چند حسی، از خوانش عصب محور بینایی افراد نسبت به مناظر مختلف تا طراحی مناظر سخت و نرم لمسی، تجارب شنیداری و بویایی متنوع اشاره کرد. مناظر سبز راه و پارک‌های شهری با هدف ترویج کشاورزی و کاشت گیاهان بومی مزایای غذایی و زیبایی بیشتری را به همراه دارند. ایجاد ساختمان سازگار با محیط زیست، ایجاد مناظر ترمیمی مثل باغ‌های شفابخش اهم نیازهای زیبایی‌شناسی مناظر شهری است. دیدن زیبایی در نواقص^{۱۱} و فرسودگی شهری، با هدف تداعی خاطرات همچون

رشته عکاسی این پدیده که اخیراً متداول شده است، بازسازی مناظر تاریخی با تکنولوژی واقعیت افزوده و تورهای مجازی شهری نیز از بحث‌های جدید پیرامون زیبایی‌شناسی مناظر شهری است. توجه به تجربه انسان از فضاهای روزمره شهری و تطابق آن با زیبایی‌شناسی منظر شهر با عنوان تجربه گرایی در ملاحظات اخیر نسبت به طراحی شهرها، اهمیت روزافزونی یافته است. در این رویکرد از طراحی فضاهای عمومی شهر، تمرکز بر رضایت و تجربه کاربران از منظر شهر معطوف است. هدف مقاله حاضر، تبیین مدلی برای "مؤلفه‌های طراحی منظر شهر روزمره با رویکرد زیبایی‌شناسی از دیدگاه تجارب انسانی" است. همیشه همکاری میان مجموع پارادایمی پرثمر تر از جنگ میان آن‌هاست. الگوواره عمل گرایی، پدیده‌ای را واقعیت می‌داند که اقدام موفق را امکان‌پذیر کند و حقیقت را نسبی، و هرگز در یک روش مطلق نمی‌بیند. با این پیش فرض فلسفی، پژوهش با روش آمیخته در دو مرحله انجام یافت که بخش اول آن، روش کیفی می‌باشد. این مرحله شامل تحلیل محتوا و روش داده بنیاد با نرم افزار مکس کیودا است. فرم‌های مصاحبه

فرضیات و روابط میان سازه‌ها در مدل را به همراه دارد. نتایج حاکی از آن است که مدل کیفی استخراج شده، براساس نمونه آماری ۳۸۴ نفر در نرم افزار حداقل مربعات جزئی مورد تأیید قرار گرفته و دارای برازش مطلوبی است و معنادار بودن تمامی گویه‌ها و روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد. با در نظرگیری تمامی ملاحظات جدید، همچنان بیشترین پراکنش مؤلفه -های عنوان شده در بیان ارزش زیبایی شناسی منظر شهر را می -توان، تاکید بر دیدگاه تجربه گرایی انسان، خاطرات، هویت و تداوم حافظه او در شهر، آموزش و مشارکت شهروند، تعاملات اجتماعی و درنهایت رضایت کاربر از تجربه روزمره منظر شهر عنوان کرد. منظر، سطح تماس شهر با انسان است و هر تغییری در آن منوط به پذیرش اوست تا موجودیت یابد. منظر در این دیدگاه توانایی پاسخ دهی به هر نوع تغییر زمانی، انتقال، انطباق و توالی را داراست. با وجود پژوهش‌های بی شمار انجام یافته پیرامون منظر شهر، مؤلفه -های سازنده آن، رویکرد پایداری و ... پژوهشی، با عنوان تبیین جامع مؤلفه‌ها در پدیده اجتماعی و کاربردی "طراحی منظر شهر روزمره با رویکرد زیبایی شناسی" و اهمیت به تجربه انسان به عنوان کاربر اصلی شهر خود، صورت نگرفته بود. انجام پژوهش به روش ترکیبی به خصوص در مطالعات شهری با توجه به گستره آن و لزوم پژوهش به شیوه نظام مند، علمی و عملیاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. کما اینکه انتخاب مورد پژوهی شهر بابل، به دلیل بحران منظر شهر و ابراز نارضایتی بالای شهروندان از طراحی منظر روزمره خود، سهم مهم پژوهش در ساحت کاربست قلمداد می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول می‌باشد.

2. MAX-QDA
3. Smart PLS
4. Two Model Cases
5. Crosstab
6. Max Map
7. Partial Least Squares- Structural Equation Modeling (PLS-SEM)
8. Composite Reliability
9. Average Variance Extracted (AVE)
10. Standardized Root Mean Square (SRMR)
11. Wabi-Sabi

نیمه ساختار یافته با تعداد نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری برای تعداد ۹ خبره با تحصیلات عالی در حوزه مرتبط با شهرسازی، طراحی شهری و معماری و سپس ۴۱ نفر شهروند با پراکنش مناسبی از مناطق مختلف شهر بابل به پایان رسید. در ابتدا تمامی کدهای باز از مصاحبه‌ها استخراج یافت. بعد از مرحله پالایش، کدها با یکدیگر ادغام شده و در نهایت در طبقه بندی‌های مشخص با نام‌های "محوری" و "انتخابی" دسته بندی گردیدند و مقدار فراوانی متناظر با آن‌ها نیز قید گردید. منظور از کد انتخابی همان ۶ تم اصلی، عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله گر، راهبردها و پیامدها بر پدیده محوری در مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین است. برای سنجش پایایی، فایل‌های مصاحبه دو فرد با شماره‌های ۰۳ و ۰۷ که دارای بیشترین کد استخراج شده است با یکدیگر مقایسه گردید. در آخر، مدل پیشنهادی متغیرها در قالب مکس مپ در نرم افزار مکس کیودا ارائه شد که برآیند متغیرهای موثر بر طراحی منظر شهر با رویکرد زیبایی شناسی از دیدگاه تجربه شهروندان را نمایش می -دهد. در مرحله دوم، با روش مدل معادلات ساختاری و کمترین مربعات جزئی تعمیم یافته، مدل پیشنهادی با آزمون‌های برازش و تحلیل عاملی تاییدی بررسی می‌گردد. در این راستا ابتدا پرسش نامه ای با کمک مدل محقق شده در روش کیفی برای تعداد ۳۰ نفر از استادان طراحی شد. بعد از اثبات روایی و پایایی پرسش نامه، در جمعیت نمونه گیری شده با فرمول کوکران، فرم پرسش نامه برای ۳۸۴ نفر از شهروندان بابل پخش شد. با توجه به داده‌های کمی جمع آوری شده در طیف ۵ گزینه ای لیکرت و عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای برازش مدل از نرم افزار اسمارت پی ال اس در دو مرحله برازش مدل اندازه گیری و ساختاری استفاده شد. بر اساس الگوریتم تحلیل داده‌ها در این نرم افزار و سنجش روابط میان متغیرهای پنهان و گویه‌ها، در بخش برازش مدل اندازه گیری، شاخص ضریب بتا بالاتر از مقدار ۰/۵۰، پایایی ترکیبی بالای ۰/۶۰ و میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۴۰ برای اکثر متغیرهای پژوهش حاصل شد بدون آنکه در فرایند تحلیل عاملی تأییدی، سوالی حذف گردد. در بخش برازش مدل ساختاری، مقدار ضریب تعیین (R^2)، و ضریب تناسب پیش بینی (Q^2)، در حد فاصل بازه قابل قبول خود قرار گرفته بودند. باید اذعان داشت در پژوهش‌های اجتماعی رسیدن به بازه ایده آل و استاندارد مقادیر، در اعلام برازش مطلوب میان تمامی روابط متغیرها، از واقعیت به دور است. اما حاصل ضریب تی بالاتر از ۱/۹۶ برای تمامی متغیرها، و ضریب P-value صفر برای روابط بین همه متغیرها، نشان از تایید تمامی

References

- Acar, C. Acar, H. & Eroglu, E. (2007). Evaluation of ornamental plant resources to urban biodiversity and cultural changing: A case study of residential landscapes in Trabzon city .Turkey: *Build. Environ.* 2007, 42, 218–229. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2005.08.030>
- Al-Ghiyadh M. A. K. & Al-Khafaji S. J. N. (2021). The Role of Urban Planning and Urban Design on Safe Cities. In IOP Conference Series: *Materials Science and Engineering* (Vol. 1058, No. 1, p. 012065). IOP Publishing. <https://doi.org/10.1088/1757-899X/1058/1/012065>.
- Aminzadeh, B. (2016). *Values in urban landscape design*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Atik, M. Canay Işıkli, R. Ortaçşeme, V. & Yıldırım, E. (2017). “Exploring a Combination of Objective and Subjective Assessment in Landscape Classification: Side Case from Turkey.” *Applied Geography* 83 (June): 130–140. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2017.04.004>
- Chin, W.W., 1998. The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), pp.295- 336.
- Cumming T. L. Shackleton R. T. Förster J. Dini J. Khan A. Gumula, M. & Kubiszewski, I. (2017). Achieving the national development agenda and the Sustainable Development Goals (SDGs) through investment in ecological infrastructure: A case study of South Africa. *Ecosystem Services*, 27(May), 253–260. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2017.05.005>.
- Daniel, T.C. (2001). Whither scenic beauty? Visual landscape quality assessment in the 21st century. *Landscape and Urban Planning*, 54(1-4), 267–281. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(01\)00141-4](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(01)00141-4).
- Dabbagh, E. & Dabbagh, P. (2022). The Role of Management and Planning in Urban Landscape Aesthetic: A Literature Review. *International Journal of Engineering Applied Sciences and Technology*, 2022 Vol. 7, Issue 7, ISSN No. 2455-2143, Pages 22-28. <https://www.ijeast.com/papers/22-28,%20Tesma0707,IJEAST.pdf>
- Dearden, P. (1987). Consensus and a Theoretical Framework for Landscape Evaluation. *Journal of Environmental Management* 24 (January): 267–278. https://www.researchgate.net/publication/258725135_Dearden_P_1987_Consensus_and_a_theoretical_framework_for_landscape_evaluation_Journal_of_Environmental_Management_24_267-278
- Dramstad, W. E. Tveit, M. S. Fjellstad, W. J. & Fry, G. L. (2006). Relationships between visual landscape preferences and map-based indicators of landscape structure. *Landscape and urban planning*, 78(4), 465–474. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2005.12.006>
- de Val, G. D. L. F. Atauri, J. A. & de Lucio, J. V. (2006). Relationship between landscape visual attributes and spatial pattern indices: A test study in Mediterranean-climate landscapes. *Landscape and urban planning*, 77(4), 393–407. <http://dx.doi.org/10.1016/j.landurbplan.2005.05.003>
- Ebner, M., Schirpke, U., & Tappeiner, U. (2022). Combining multiple socio-cultural approaches—Deeper insights into cultural ecosystem services of mountain lakes? *Landscape and Urban Planning*, 228, 104549. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104549>
- Ervin H. Zube, E.H. Sell, J.L. & Taylor, J.G. (1982). Landscape perception: Research, application and theory, *Landscape Planning*, Volume 9, Issue 1, 1982, Pages 1-33, ISSN 0304-3924, [https://doi.org/10.1016/0304-3924\(82\)90009-0](https://doi.org/10.1016/0304-3924(82)90009-0).
- Frank, S., Fürst, C. Koschke, L. Witt, A. & Makeschin, F. (2013). Assessment of

- Landscape Aesthetics—Validation of a Landscape Metrics-Based Assessment by Visual Estimation of the Scenic Beauty. *Ecological Indicators* 32 (September): 222–231.
<https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2013.03.026>
- Gobster, P.H., Ribe, R.G. & Palmer, J.F. (2019). Themes and trends in visual assessment research: Introduction to the Landscape and Urban Planning special collection on the visual assessment of landscapes. *Landscape and Urban Planning*, 191, 103635. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103635>.
- Golkar, K. (2008). Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Environmental Sciences*, 5(4). (in Persian)
- Hair, J.F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R.E., & Tatham, R.L. (2006). Multivariate data analysis (Vol. 6). Upper Saddle River, NJ: pearson Prentice Hall
- Hair Jr, J.F., Hult, G.T.M., Ringle, C. and Sarstedt, M., 2016. A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Sage publications.
- Henseler, J., Ringle, C.M. and Sarstedt, M., 2015. A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the academy of marketing science*, 43(1), pp.115-135.
- Kalivoda, O., J. Vojar, Z. Skřivanová, & Zahradník, D. (2014). Consensus in Landscape Preference Judgments: The Effects of Landscape Visual Aesthetic Quality and Respondents' Characteristics. *Journal of Environmental Management* 137 (May): 36–44.
<https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2014.02.009>
- Karasov, O., Avelino Batista Vieira, A. Külvik, M. & I. Chervanyov. (2020). Landscape Coherence Revisited: GIS-Based Mapping in Relation to Scenic Values and Preferences Estimated with Geolocated Social Media Data. *Ecological Indicators* 111 (April): 105973.
<https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2019.105973>
- Kerebel, A., Gélinas, N. Déry, S. Voigt, B. & A. Munson. (2019). Landscape Aesthetic Modelling Using Bayesian Networks: Conceptual Framework and Participatory Indicator Weighting. *Landscape and Urban Planning* 185 (May): 258–271.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.02.001>
- Keshtkaran, R., Habibi, A., & Sharif, H.R. (2017). Aesthetic Preferences for Visual Quality of Urban Landscape in Derak High-Rise Buildings (Shiraz). *Journal of Sustainable Development*, 10, 94.
<https://doi.org/10.5539/jsd.v10n5p94>
- Kline, R.B., 2015. Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications.
- Lothian, A. (1999). Landscape and the Philosophy of Aesthetics: Is Landscape Quality Inherent in the Landscape or in the Eye of the Beholder? *Landscape and Urban Planning* 44 (4): 177–198.
[https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(99\)00019-5](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(99)00019-5)
- Mansouri, M. A., & Shad Ghazvini, P. (2022). The Aesthetic Experience of Urban Art Analysis of four experiences in Tehran based on the John Dewey's Valuation Theory. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 15(39), 139-150. (in Persian).
https://www.armanshahrjournal.com/article_158070.html?lang=en
- Markovic, S. (2012). Components of aesthetic experience: Aesthetic fascination, aesthetic appraisal, and aesthetic emotion. *I-Percept.* 2012, 3, 1–17.
<https://doi.org/10.1068/i0450aap>
- Mundher, Riyadh, Shamsul Abu Bakar, Suhardi Maulan, Mohd Johari Mohd Yusof, Ammar Al-Sharaa, Azlizam Aziz, & Hangyu Gao .(2022). Aesthetic Quality Assessment of Landscapes as a Model for Urban Forest Areas: A Systematic

- Literature Review. *Forests* 13, no. 7: 991. <https://doi.org/10.3390/f13070991>
- Nijhuis, S., Van Lammeren, R., & van der Hoeven, F. (2011). Exploring the visual landscape: advances in physiognomic landscape research in the Netherlands (Vol. 2). TU Delft. <http://dx.doi.org/10.7480/rius.2>
- Nohl, W. (2001). Sustainable landscape use and aesthetic perception-preliminary reflections on future landscape aesthetics. *Landsc. Urban Plan.* 2001, 54, 223–237.
- Page, J. (2022). Aesthetic Understanding. *Estetika: The European Journal of Aesthetics* 59 (1):48-68. <https://philpapers.org/rec/PAGAU>
- Pakzad, J. (2013). *An intellectual history of urbanism*. Tehran: Armanshahr. (Original work published 2010) (in Persian)
- Plieninger, T., D. van der Horst, C. Schleyer, and C. Bieling. (2014). Sustaining ecosystem services in cultural landscapes. *Ecology and Society* 19(2): 59. <http://dx.doi.org/10.5751/ES-06159-190259>
- Purici Ș., & Mareci Sabol H. (2022). From Beautification to Ennobling: The Exterior Mural Mosaics from Suceava of the Socialist Era. *Societies*, 12(4), 107. <https://doi.org/10.3390/soc12040107>.
- Schirpke, U., Mölk, F., Feilhauer, E., Tappeiner, U., & Tappeiner, G. (2023). How suitable are discrete choice experiments based on landscape indicators for estimating landscape preferences?. *Landscape and Urban Planning*, 237, 104813. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2023.104813>
- Taber, K.S., 2018. The use of cronbach's Alpha when developing and reporting research instruments in science education. *Research in Science Education*, 48(6), pp. 1273-1296.
- Wang, R., J. Zhao, & Z. Liu. (2016). Consensus in Visual Preferences: The Effects of Aesthetic Quality and Landscape Types. *Urban Forestry & Urban Greening* 20 (December): 210–217. [doi:10.1016/j.ufug.2016.09.005](https://doi.org/10.1016/j.ufug.2016.09.005).
- Williams, A.T. (2019). The Concept of Scenic Beauty in a Landscape. In: Rangel-Buitrago, N. (eds) *Coastal Scenery. Coastal Research Library*, vol 26. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-78878-4_2
- Zhu, Z. He, Q. & Zhu, X. (2022). Spatial Analysis for the Landscape Visual Aesthetic Quality of Urban Residential Districts Based on 3D City Modeling. *Sustainability* 2022, 14(18), 11500. <https://doi.org/10.3390/su141811500>